



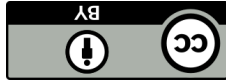
Global Storybooks

globalstorybooks.net

تاج، فرۆشیده ی موز

✍ Humpheys Odunga
👤 Zablon Alex Nguvu

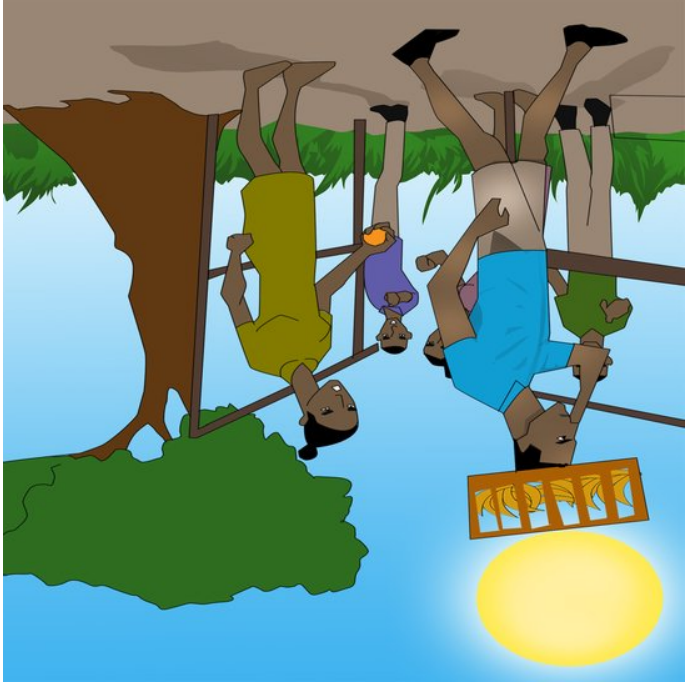
📖 Marzieh Mohammadian Haghighi!



This work is licensed under a Creative Commons
Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



تاج، فرۆشیده ی موز



✍ Humpheys Odunga

👤 Zablon Alex Nguvu

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi!

|| 2

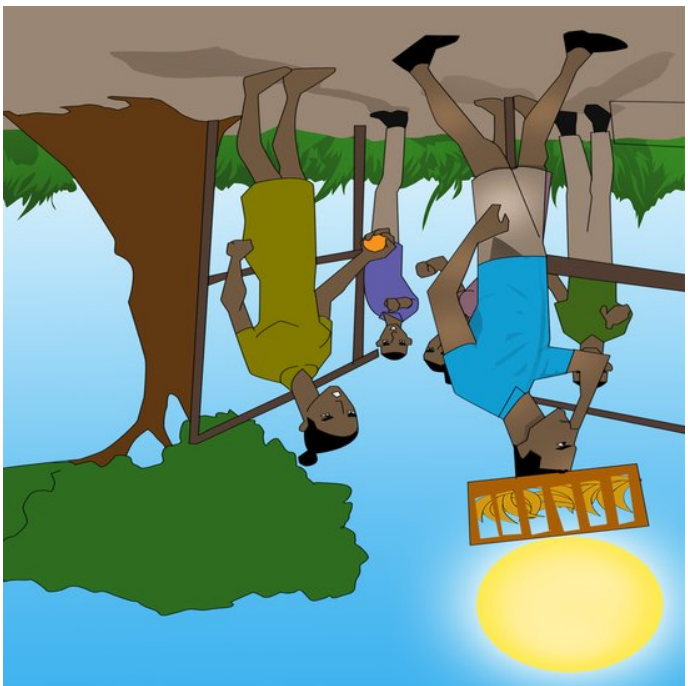
🗣 فارسی





تام پک صندوق موزه‌ای رسیده با خود
حمل می‌گرد.

تام به فرشته‌ها رفت که موزه را ببینند





مَرْدُمُ دَرِ فُرُوشْگَاهِ دَرِ حَلَالِ خَرِيدَنِ مِیَوِه
بُودَنَد.



تَامِ صَنْدُوقِ رَا رُویِ سَرَشِ قَرَارِ دَادِ وَبِه
خَانِه رَفْت.



مَرْدُم می گُفتند دَر جامعِه یِ ما، فَقَط زَنَها
میوه می فُروشَنند. مَرْدُم می پُرسیدند، “او
چگونه مَردی اَسْت؟”



خِیلی زود، صَندوق خالی شُد. تام پول
هَلاپی کِه بِه دَست آوَرِدِه بود را شِمْرد.

مردم بیشتری به سمت غروفه آمدند. آنها را خورند. آنها را خریدند و آنها را خوردند. موزه‌ای تا م را خریدند و آنها را خوردند.



ولی تا م تسلیم نشد. او صدا زد، "موزه‌ای
مرا بخريدند! موزه‌ای رسته‌ی شيرين من را
بخريدند!"





زنی یک دسته از موزها را از صندوق
برداشت. او با دقت به موزها نگاه کرد.



آن زن موزها را خرید.